

اشاره

در مقاله پیشین به وضعیت انسان پس از دنیا یعنی «موت» پرداختیم و بیان شد که موت یکی از حالت‌های وجودی انسان است و انسان‌ها در لحظه مرگ، یعنی لحظه یقین، حالات گوناگونی دارند و بر همین اساس برخی خوش حال و گروهی اندوهناک‌اند. همچنین موضوع «توفی نفس» یا قبض روح و نکاتی که در آیه‌های مربوط به آن بود، بررسی شد. در پایان مطالبی پیرامون فرشتگان هنگام مرگ و کیفیت حضور آن‌ها و همچنین مسئله رجعت بیان کردیم.

چکیده

سومین دوره زندگی انسان، عالم برزخ است. از زمانی که مرگ انسان را فرا می‌گیرد، برزخ او شروع می‌شود. این برزخ تا هنگام برانگیخته شدن ادامه دارد.

دوران برزخ حالت مرگی میان دو حیات است که با روی آوردن مرگ، ما به خوابی عمیق فرو می‌رویم و با زنده شدن در قیامت از خواب برمی‌خیزیم و به زندگی خود ادامه می‌دهیم و حایل میان دو حیات را پشت سر می‌گذاریم.

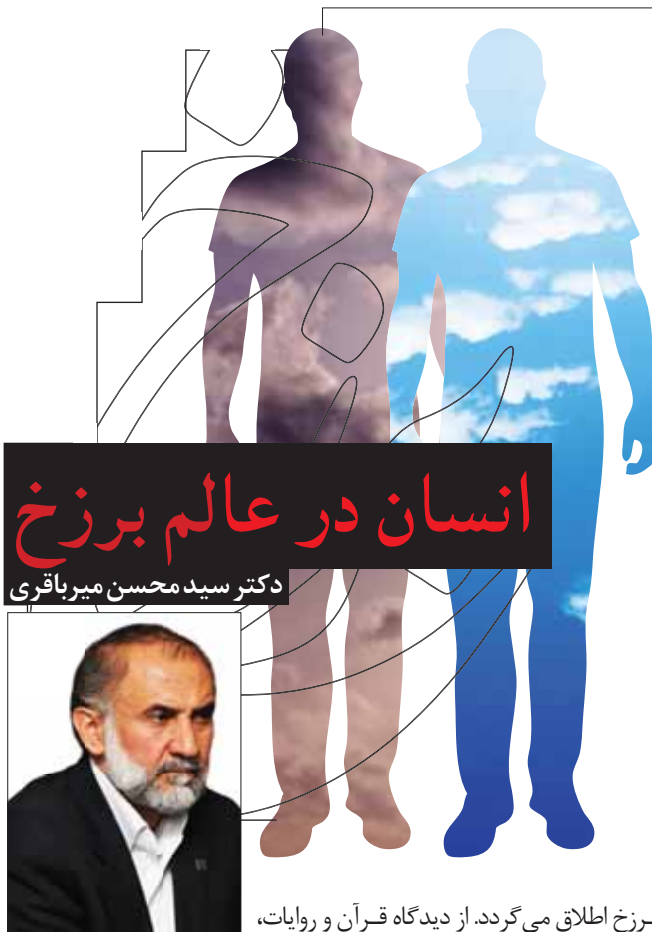
قرآن کریم احساس انسان را پس از زنده شدن به فاصله میان مرگ تا قیامت، به اندازه یک شب تا صبح بیان می‌کند و بدین ترتیب تاریخ قیامت هر کس را به نوعی یادآور می‌شود.

میزان زمان برزخ هم متناسب با میزان مسائلی است که برای انسان پیش می‌آیند. برزخ برای برخی، دورانی سریع است و برای بعضی دیگر طولانی است؛ درست مانند زمان خواب که ممکن است خواب چند دقیقه‌ای، به خاطر رویاهای گوناگون، طولانی جلوه کند و یا برعکس، خوابی طولانی، کوتاه به نظر آید.

مقدمه

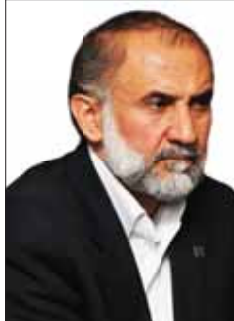
سومین دوره زندگی انسان، عالم برزخ است. از زمانی که مرگ انسان را فرا می‌گیرد، برزخ او شروع می‌شود. این برزخ تا هنگام برانگیخته شدن ادامه دارد: «و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون» (مؤمنون/۱۰۰). و پیشاپیش آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد.

مفسران و متکلمان مسلمان، به‌ویژه متکلمان شیعه، به وجود عالم برزخ اعتراف و بر آن تأکید کرده‌اند. برای نمونه آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید: «برزخ چیزی است که در میان دو شیء حایل شود. از این رو به جهانی که بین دنیا و آخرت واقع می‌شود،



انسان در عالم برزخ

دکتر سید محسن میرباقری



برزخ اطلاق می‌گردد. از دیدگاه قرآن و روایات، برزخ و قبر یک چیز است که گاهی از آن به عالم قبر و گاهی از آن به جهان برزخ یاد می‌شود.» (عبدالله جوادی آملی، معاد در قرآن، ص ۲۲۱)

کلیدواژه‌ها: قیامت، برزخ، انسان رستاخیز، قرآن کریم

نام‌گذاری برزخ

عنوان برزخ را قرآن کریم برای آن عالم به کار برده است. برزخ در لغت به معنای حایل میان دو چیز همانند است. (سید علی‌اکبر قرشی، قاموس قرآن، ذیل واژه برزخ؛ جعفر سبحانی، معاد انسان و جهان، ص ۱۹۳). چنانکه قرآن کریم درباره حایل میان دو دریا، که همانند هستند، می‌فرماید:

(مرج البحرین یلتقیان * بینهما برزخ لایبغیان) (رحمن/۱۹ و ۲۰): «دو دریای به هم رسیده را در هم آمیخت. میان آن‌ها برزخی است تا به هم تجاوز نکنند.» با توجه به مباحث پیشین، زندگی دنیا حیات کنونی ما است و زندگی آخرت، حیات آینده ما و دوران برزخ حالت مرگی میان دو حیات است. زیرا چنان‌که گفته شد، عموم مردم، به استثنای «مقتولین فی سبیل‌الله» و خاصان، پس



از مرگ در حالت موت به سر می‌برند و البته از ادراک و احساس ویژه آن دوران برخوردارند. در حقیقت با روی آوردن مرگ، ما به خوابی عمیق فرو می‌رویم و با زنده شدن در قیامت از خواب برمی‌خیزیم و به زندگی خود ادامه می‌دهیم و حایل میان دو حیات را پشت سر می‌گذاریم. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که فرمود: «کما تنامون تموتون و کما تستیقظون تبعثون». (کاشانی، ۱۴۱۶ هـ. ق، ج ۴: ۱۹۳). همان‌گونه که می‌خوابید، می‌میرید و همان‌گونه که از خواب برمی‌خیزید، زنده خواهید شد.

همچنین از ایشان نقل شده است که چون از خواب برمی‌خاستند، می‌فرمودند: «الحمد لله الذی احيانى بعد ما اماتنى و اليه النشور» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۵۳۹). سپس خدای را که مرا زنده ساخت پس از آنکه مرا میراند و رستاخیز به سوی اوست.

تشابه برزخ با دوران خواب

با توجه به اینکه خواب و مرگ ماهیت یکسانی دارند و در آیات و روایات تعبیر یکسانی برای آن دو به کار رفته است، می‌توان برزخ را به خواب میان دو بیداری تشبیه کرد. همان‌گونه که انسان خسته می‌شود و به خواب می‌رود و چون برمی‌خیزد، لحظات پیش از خواب را به یاد می‌آورد و برنامه زندگی خود را ادامه می‌دهد، مرگ نیز همین‌گونه است.

از امام باقر (علیه‌السلام) نقل شده است که می‌فرمایند: «مرگ چیزی جز همین خواب، که همه روزه آن را تجربه می‌کنید، نیست. تنها تفاوتش این است که مرگ طولانی‌تر است» (صدوق، ۱۴۱۴ هـ. ق: ۵۳).

بی‌توجهی به برزخ پس از زنده شدن

بر اساس آیات قرآن کریم، انسان‌ها پس از بیداری از مرگ، در صحنه قیامت، دوران برزخ را فراموش می‌کنند و به یاد زندگی دنیای خود می‌افتند و در حقیقت زندگی خود را ادامه می‌دهند و حتی در آغاز به زنده شدن خود توجهی ندارند: «و نفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون * قالوا یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون» (یس/ ۵۱ و ۵۲): «و در صور (برای بار دوم) دمیده می‌شود که ناگاه آنان از گورها به سوی پروردگارشان می‌شتابند. می‌گویند: «وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاه‌هایمان برانگیخت؟ این همان (صحنه) است که خداوند بخشنده وعده کرده است و پیامبران درست گفته‌اند»

تاریخ برپایی قیامت (بر اساس احساس انسان‌ها در آن روز)

قرآن کریم احساس انسان را، پس از زنده شدن، به فاصله میان مرگ تا قیامت، به اندازه یک شب تا صبح یا یک صبح تا شب بیان می‌کند و بدین ترتیب تاریخ قیامت هر کس را به نوعی یادآور می‌شود و بیان می‌کند که این تاریخ بسیار نزدیک است. قرآن کریم می‌فرماید: «ینسلونک عن الساعة ایان مرساها * فیم انت من ذکرها * الی ربک منتهاها * انما انت منذر من یشهاها» (نازعات/ ۴۵-۴۶): از تو از برپا شدن رستاخیز می‌پرسند که چه هنگام است. تو از یاد کردن آن در چه انگیزه‌ای؟ پایان کار آن با پروردگار تو است. تو تنها کسی را که از آن بیم دارد، هشدار می‌دهی.

قرآن کریم در این آیات، نخست بیان تاریخ زمان قیامت را بی‌فایده می‌داند و می‌فرماید که تنها کسانی که از زندگی جاوید خود نگران هستند، به سخنان تو گوش فرا می‌دهند؛ و گرنه بیان تاریخ قیامت نمی‌تواند از انکار آن‌ها جلوگیری کند. در ادامه این آیات به ذکر نوعی تاریخ می‌پردازد و گویا می‌فرماید اگر می‌خواهند بدانند که قیامت چه هنگامی خواهد بود، در احساس آنان پس از زنده شدن، فاصله از مرگ تا قیامت، نیم‌روزی بیشتر جلوه نمی‌کند: «کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها» (نازعات/ ۴۶): آن روزی که آن را ببینند چنان است که جز شامگاهی و یا روزی درنگ نکرده‌اند.

مشابه همین تعبیر در داستان حضرت عزیز (و یا ارمیا) نیز آمده است: «و کالذی مر علی قریة و هی خاویة علی عروشها قال انی یحیی هذه الله بعد موتها فاما لله الله مائة عام ثم بعثه قال کم لبثت قال لبثت یوماً او بعض یوم قال بل لبثت مائة عام...» (بقره/ ۲۵۹): «یا همچون (داستان) آن کس که بر خرابه‌های شهری گذشت، در حالی که بر و بام‌هایش فروریخته بود. گفت: «چگونه خداوند این مردگان را بعد از مرگشان زنده می‌گرداند؟» پس خداوند، همو را صد سال میرانید و سپس زنده‌اش کرد. فرمود: «چه مقدار در اینجا درنگ کرده‌ای؟» گفت: «یک روز با پاره‌ای از یک روز درنگ داشتیم.» فرمود: «(نه)، بلکه صدسال است که درنگ کرده‌ای...»

همان تعبیر «لم یلبثوا» که در سوره نازعات آمده، در اینجا نیز آمده است: «کم لبثت.» پاسخ نیز چنین است: «لبثت یوماً او بعض یوم.» بنابراین، این درنگ به دوران موت مربوط است، نه اینکه در قیامت خیال کند که عمر دنیا آن قدر کوتاه بوده که به اندازه یک روز بیشتر نبوده است.

همین تعبیر داستان «اصحاب کهف» نیز آمده است: «و کذلک بعثناهم لیتسائلوا بینهم قال قائل منهم کم لبثتم قالوا لبثنا یوماً او بعض یوم قالوا ربکم اعلم بما لبثتم ..» (کهف/ ۱۹): بدین‌گونه ما آنان را مبعوث

قرآن کریم
احساس انسان
را، پس از زنده
شدن، به فاصله
میان مرگ تا
قیامت، به اندازه
یک شب تا صبح
یا یک صبح تا
شب بیان می‌کند
و بدین ترتیب
تاریخ قیامت هر
کس را به نوعی
یادآور می‌شود

کردیم تا از هم باز پرسند. یکی از آنان گفت: «چه قدر درنگ داشته‌اید؟» گفتند: «یک روز یا پاره‌ای از یک روز درنگ داشته‌ایم.» (باز) گفتند: «پروردگارتان از اندازه درنگی که داشته‌اید، آگاه‌تر است»...

بدین ترتیب، مسئله کاملاً روشن است. حضرت عَزِيز (یا ارمیای) نبی صد سال زمان «موت» را پس از بیداری فراموش می‌کند و تصور می‌کند که روزی یا نیم‌روزی در خواب بوده است. اصحاب کهف نیز سیصد سال یا بیشتر را فراموش می‌کنند و گمان می‌کنند که روزی یا نیم‌روزی در خواب بوده‌اند. مردم نیز پس از بیداری در قیامت، خواب هزارساله و یا چند هزارساله میان مرگ تا قیامت را فراموش می‌کنند و گمان می‌کنند که روزی یا نیم‌روزی در خواب بوده‌اند و نگران و مضطرب می‌گویند: «چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟» (یس/۵۲). با این حساب قیامت زیاد دور نیست. قرآن کریم می‌فرماید: «نہم برونہ بعیدا * و نراہ قریبا» (معارج/۷): آنان قیامت را دور می‌بینند و ما آن را نزدیک می‌بینیم.

در حقیقت فاصله ما با قیامت، از نظر احساسی که در قیامت داریم، تنها به اندازه فاصله ما با مرگ به اضافه نیم‌روز است. اگر قرار است کسی سی سال دیگر در دنیا زندگی کند، به اندازه سی سال و یک روز تا صحنه قیامت فاصله دارد و هر کسی با این مقیاس می‌تواند فاصله خود را تا قیامت حدس بزند. شاید حدیثی هم که از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) نقل شده است، به همین معنا باشد: «إذا مات احدکم فقد قامت قیامته» (ری‌شهری، بی‌تا، ج ۴: ۲۹۵۴): چون کسی از شما بمیرد، قیامتش فرا رسیده است.

حدیث طولانی دیگری نیز گویای همین مطلب است و چون آموزنده است، آن را ذکر می‌کنیم. از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) نقل شده است که فرمود: «ان لله تعالی ملکاً ينزل فی کل لیلة فینادی: یا ابناء العشرین جدوا و اجتهدوا؛ و یا ابناء الثلاثین لا تغرنکم الحیوة الدنیا؛ و یا ابناء الاربعین ماذا عددتم للقاء ربکم؛ و یا ابناء الخمسین اناکم الذییر، و یا ابناء الستین زرع ان حصاده؛ و یا ابناء السبعین نودی لکم فاجیبا؛ و یا ابناء الثمانین انتکم الساعة و انتم غافلون» (محدث نوری، ۱۴۰۸ هـ.ق، ج ۱۲: ۱۵۷): خدای متعال فرشته‌ای دارد که هر شب فرود می‌آید و مردم را صدا می‌زند و می‌گوید: «ای بیست ساله‌ها! دامن همت به کمر بزنید؛ و ای سی ساله‌ها! مراقب باشید تا زندگی دنیا شما را نفریبد؛ و ای چهل ساله‌ها! برای ملاقات با پروردگارتان چه تدارکی دیده‌اید؟ و ای پنجاه ساله‌ها! هشدارها (ی) نزدیک شدن مرگ) به شما رو آورده است؛ و ای شصت ساله‌ها! عمر شما کشتزاری بوده که هنگام

درو آن فرا رسیده است؛ و ای هفتاد ساله‌ها! شما را صدا زده‌اند، پس پاسخ گوید؛ ای هشتاد ساله‌ها! قیامتتان رسید، در حالی که شما هنوز هم در غفلت به سر می‌برید».

گویا این حدیث شریف نیز منظور از رسیدن قیامت همان فرا رسیدن مرگ و نزدیک شدن آن است.

زمان در برزخ

البته این سخن بدان معنا نیست که در دوران برزخ، احساس و گذشت زمان مطرح نیست، بلکه براساس آنچه پیش‌تر ذکر شد، در برزخ مقربان در ناز و نعمت الهی خواهند بود؛ اصحاب یمین در سلامت به سر خواهند برد و تکذیب‌کنندگان گمراه در عذاب خواهند بود (واقعه/۹۴-۸۸).

میزان زمان برزخ هم متناسب با میزان مسائلی است که برای انسان پیش می‌آید. برزخ برای برخی، دورانی سریع است و برای بعضی دیگر طولانی است؛ درست مانند زمان خواب که ممکن است خواب چند دقیقه‌ای، به‌خاطر رؤیاهای گوناگون، طولانی جلوه کند و یا برعکس، خوابی طولانی، کوتاه به نظر آید. کوتاه سخن آنکه:

در برزخ، خیر و شر وجود دارد و احساس لذت و یا رنج برای افراد مختلف امری قطعی است.

زمان برزخ برای برخی طولانی و برای جمعی، کوتاه و گذرا است؛ چنانکه در پاره‌ای روایات، برزخ اهل ایمان، مدتی کوتاه ذکر شده است.

انسان‌ها پس از زنده شدن در قیامت زمان برزخ را، چه کم و چه زیاد، از یاد خواهند برد و احساس آن‌ها از خواب طولانی مرگ، به اندازه نیم‌روزی بیشتر نخواهد بود. این امر برای نیکان (به داستان عَزِيز توجه شود) و برای بدان یکسان است.

در روایات اهل بیت (علیهم السلام) چند مسئله درباره دوران برزخ آمده است که از جمله آن‌ها مباحث زیر است:

- الف. شب اول قبر؛
- ب. فشار قبر و دلیل آن و راه پیشگیری از آن؛
- ج. سؤال و جواب در آغاز ورود به قبر؛
- د. زیارت اهل قبور و هدیه برای مردگان مؤمن؛
- هـ. سبک شدن بار اهل ایمان در دوران برزخ به خاطر خیراتی که به آن‌ها می‌رسد.

این موارد و مسائلی دیگر در این زمینه در کتاب‌های با تفصیل و ذکر احادیث و بیان حکایت‌های مناسب آمده‌اند. در اینجا به‌خاطر محدودیت زمانی، از بحث درباره این مسائل صرف‌نظر می‌کنیم و خوانندگان گرامی را به کتاب‌های مربوط رهنمون می‌شویم (مانند: عبدالله جوادی آملی، معاد در قرآن، ص ۲۴۸-۱۸۱؛ محمدتقی فلسفی، معاد از نظر روح و جسم، بحث رجعت؛ جعفر سبحانی، معاد انسان و جهان، ص ۲۰۳-۱۹۳).

انسان‌ها پس از زنده شدن در قیامت زمان برزخ را، چه کم و چه زیاد، از یاد خواهند برد و احساس آن‌ها از خواب طولانی مرگ، به اندازه نیم‌روزی بیشتر نخواهد بود. این امر برای نیکان (به داستان عَزِيز توجه شود) و برای بدان یکسان است.

- منابع**
۱. جوادی آملی، عبدالله، معاد در قرآن.
 ۲. المولی محسن الفیض الکاشانی، تفسیر الصافی، تحقیق حسین الأعلمی، مکتبه الصدر، تهران، ۱۴۱۶ هـ ج ۴.
 ۳. الشیخ کلینی، الکافی، تحقیق علی‌اکبر الغفاری، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ ش، ج ۲.
 ۴. الشیخ الصدوق، الاعتقادات فی دین الامامیه، تحقیق عصام عبدالسید، دارالمفید، ۱۴۱۴ هـ.ق.
 ۵. محمد الرشهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۹۵.
 ۶. المحدث النوری، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل‌البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ هـ.ج، ۱۲، ص ۱۵۷، ج ۱۲۷۶.